

فردا

امروز

دیروز

# ریاضندگی

علیرضامتولی | عکس: اعظم لاریجانی



مکملان

۱۴

مخوان  
آذر ۱۳۹۱

از ریاضی می‌شناسم که به درد زندگی کردن تو می‌خورد. یکی از کارهایی که تمرین‌های ریاضی انجام می‌دهند، نظم دادن به فکر تو است. ریاضی فکر تو را منظم می‌کند. می‌دانی که ریاضی یک کلمه عربی است. به معنای ورزش و تمرین. بله، ریاضی، تمرین ذهنی هم هست. ریاضی ورزش سلول‌های خاکستری مغز هم هست. کسی که ریاضی می‌داند می‌تواند مسائل زندگی‌اش را بهتر حل کند. ما معتقدیم رفتاری‌های زندگی که معمولاً به آنها می‌گوییم مشکل، در حقیقت مشکل نیستند. بهتر است به آنها بگوییم مسئله. کسی که مغزش با تمرین ریاضی ورزیده شده باشد، حالا این ورزیدگی ذهن و فکر را بگذارید کنار آموزش‌های دینی. یا بگذارید کنار

چگونه ریاضی می‌تواند زندگی را بهتر کند؟ تمام دانش‌هایی که به اسم ریاضی و حساب و هندسه می‌شناسیم، بی‌تردید می‌توانند کمک کنند که زندگی بهتری را برای خودت طراحی کنی. من ریاضی‌دان نیستم، اما می‌دانم ریاضی کاربرد زیادی در علوم مهندسی دارد. اولین چیزهایی که از دانش ریاضی می‌آموزی چهار عمل اصلی است و کم‌کم که پیش می‌روی به محاسبه‌های پیچیده می‌رسی. گاهی از خودت می‌پرسی این همه محاسبه‌های پیچیده به چه درد می‌خورند. به این سؤال تو باید یک معلم و استاد ریاضی پاسخ بدهد. او بهتر از من می‌داند که این همه فرمول و محاسبه در آینده به چه دردی می‌خورند، اما من کاربردی را

کسے که ذهف به خوبی بتواند این مسئله را حل کند. کسی که تمرین‌های ریاضی را خوب انجام داده باشد، بهتر می‌تواند از پس حل مسائل زندگی‌اش بر بیاید. یکی از فایده‌های دیگر دانش ریاضی در زندگی، کمک به امور اقتصادی زندگی است. کسی که ریاضی می‌داند، بهتر می‌تواند حساب دخل و خرجش را نگه دارد. کسی که ریاضی می‌داند بهتر می‌تواند مفهوم پس‌انداز را بفهمد. شما وقتی بزرگ‌تر شدید و توانستید درآمدی به دست بیاورید، با دانستن ریاضیات می‌توانید از پس‌انداز خود پول در بیاورید. کسی که ریاضی می‌داند بهتر می‌تواند پولش را سرمایه‌گذاری کند. الان ممکن است درآمدی نداشته باشید، اما باید با ریاضیات ذهن خودتان را برای روزی که درآمدی دارید، پرورش بدهید. ریاضیات فایده‌های دیگری هم در زندگی دارد. وقتی بیشتر وارد زندگی شدید، خودتان متوجه خواهید شد که اگر ریاضی نمی‌دانستید، چه مشکلاتی سر راهتان قرار می‌گرفت.

درس‌های ادبیات فارسی، شما وقتی با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شوید، این سه دانش به یاری هم می‌توانند به شما کمک کنند که زودتر مسئله‌تان را حل کنید. بگذارید یک مثال بزنم؛ با دوستان مشکلی دارید. دوستان را خیلی دوست دارید، اما او کارهای بدی می‌کند و شما را هم به آن کارهای بد دعوت می‌کند. در درس دینی یاد گرفته‌اید که باید از هم‌نشین بد دوری کنید. در درس ادبیات به صورت داستان خوانده‌اید که عاقبت دوستی با رفیق بد چیست، اما احساسات و عواطف شما اجازه نمی‌دهد با این دوستان هم‌نشینی نکنید. اینجا ذهنی که با ریاضیات آشنا باشد، به راحتی می‌تواند یک رابطه ریاضی برای این دوستی خلق کند، و آن را سوی یک فرمول بگذارد و ببیند نتیجه این دوستی مثبت است یا منفی. ذهن عادت دارد وقتی چیزی را فهمید به آن عمل کند. ذهن وقتی فهمید این دوستی نتیجه خوبی ندارد، خودبه‌خود و با زحمت کمی بر احساسات پیروز می‌شود. البته شرط آن این است